

خط جهاد

ماهنامه تخصصی جهادگران حوزوی | اسفند ۱۴۰۱

بقیة الحسنة لکم انکم مؤمنون

سخن نخست

دوبنده

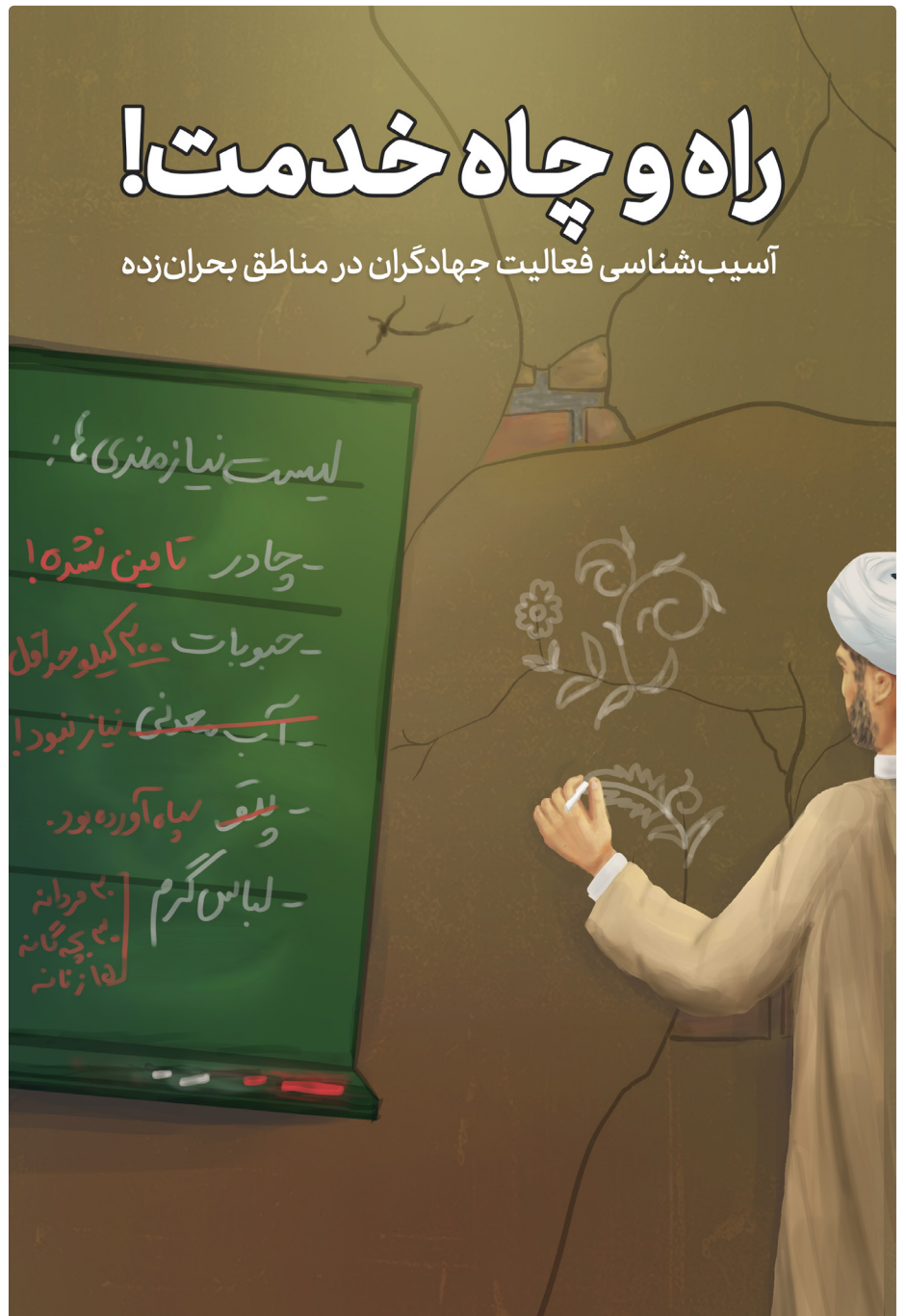
روح‌الله جلالوند

ارباب‌ها وارد شدند. بنده‌ها هم به دنبالشان. ارباب‌ها مستقیم رفتند توی تالار و خیلی با تبختر نشستند روی تخت‌ها. بنده‌ها هم کمی آن طرف‌تر از اصطبل، نشستند روی زیلوهای اتاق گلی. با گوشه چشم به هم نگاه می‌کنند. اینجا از آن سفره‌های رنگین توی تالار خبری نیست ولی چیزی برای سدّ جوع نصیبشان می‌شود. خیلی نباید حرف بزنند! اسرار ارباب فاش می‌شود و عیب و هنر خودشان هم برملا. از رفتارشان باید تشخیصشان بدهی. تو هم ایستاده‌ای و رفتارهایشان را زیر نظر گرفته‌ای؛ بعضیشان بدجور چشمشان تمنای به دندان کشیدن لقمه‌ای بیشتر دارد؛ لقمه قبلی را نداده‌اند پایین، دست می‌برند توی بشقابشان و لقمه بعد، به امید آنکه اگر سرریزی آوردند سرازیر کنند در بشقاب خالی او. صدای جویدن و قورت دادنش، دل و دماغ چشیدن طعم غذا را از سایرین ربوده؛ هنوز هیچ نشده آستین‌هایشان ملوث شده. عجب ارباب سنگ‌دلی دارد! این همه گرسنگی داده به این زبان بسته! ببین چطور حرص می‌زند؟ اما آن یکی نه! چه باوقار، تا تعارفش نکردند، جلو نیامد. ادای سیرها را درمی‌آورد. رنگ‌وروش که چیز دیگری می‌گوید. حالا هم که آمده، بیشتر با لقمه بازی می‌کند، لقمه‌ای هم که در دهان می‌گذارد، خوب می‌چود. سر از ظرف خود بر نمی‌دارد. در یک کلام دوست‌داشتنی‌تر از بقیه است. ناگزیر اربابش را می‌ستایی؛ لابد خیلی مدبر و مهربان است که اینطور سیر کرده چشم و دل بنده‌اش را.

القصة؛ بنده‌ای هست که مدام راست یا دروغ- از نداری‌اش می‌نالد، از گرسنگی‌اش، از جاماندگی‌اش از بقیه و ... اما روی دیگر این سکه همان بنده آبروداری است که جایگاه ویژه قلب مولا را شش‌دانگ در اختیار گرفته؛ مولا بی‌بهبانه و بی‌درنگ به پایش می‌ریزد، شاید کمی دیر و زود ولی باحکمت، به اندازه و دلنشین؛ درست مثل جهادی‌ها؛ گرهی که می‌افتد به کارشان، نذر می‌کنند که گره‌گشایی کنند از کار دیگر بندگان خدا و خدای بندگان هم که شاهد همه خوبی‌هاست، کارشان را لنگ نمی‌گذارد.

خداوندا! ارزش خدمت و خدمتگزاری به دین خود و به مردم را در دل و دیدگان ما افزون و جاودانه نما «اتک ولی النعم» [امام خمینی رضه‌عالیه، منشور روحانیت]

ماجرای نیمروز و یک سلفی با طعم متفاوت < ۲ زندگی به سبک جهادی < ۴



همان روز در منطقه حضور یافته و در جلسه ستاد بحران، آمادگی خود را برای هرگونه همکاری اعلام می‌دارد. گستردگی مناطق زلزله‌زده، انتشار اخبار ضد و نقیض از وضعیت مردم و پیگیری مکرر گروه‌های جهادی حوزوی جهت حضور در مناطق زلزله‌زده و یاری‌رساندن به مردم، باعث شد که مسئولان دبیرخانه برای شناسایی دقیق‌تر و برآورد نیازمندی‌ها، راهی منطقه شوند تا از نزدیک وقایع را بررسی کرده و تصمیمات لازم را اتخاذ نمایند.

[ادامه در صفحه سه]

اشاره < ساعت ۳ بامداد که تنها ساعاتی از زلزله مهیب خوی گذشته بود، مدیر حوزه‌های علمیه حضرت آیت‌الله اعرافی، پیامی را مبنی بر حضور فعال حوزویان در کنار مردم و خدمت‌رسانی به ایشان صادر نمودند. در این پیام دبیرخانه گروه‌های جهادی به عنوان یکی از «مراجع ارتباطی» معرفی شده تا گروه‌های داوطلب از آن طریق خدمات خالصانه خود را ارائه نمایند.

نماینده امور استانی دبیرخانه در استان آذربایجان غربی حجت‌الاسلام خالقی- در

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ كَاتِبُونَ ﴿٩٤﴾

هر کس اعمال شایسته بجا آورد، در حالی که ایمان داشته باشد، کوشش او ناسپاسی نخواهد شد؛ و ما تمام اعمال او را می‌نویسیم. (۹۴)

سوره مبارکه انبیاء، آیه ۹۴

ادبستان

سپید و سیاه

پروین اعتصامی

کبوتری، سحر اندر هوای پروازی
ببام لانه بیاراست پر، ولی نپرید

رسید بر پرش از دور، ناوکی جانسوز
گسست رشته امیدی و رگی بدرید

گذشت بر در آن لانه، شامگه زاغی
طیب گشت، چه رنجوری کبوتر دید

برفت خار و خس آورد و سایبانی ساخت
برای راحت بیمار خویش، بس کوشید

هزار گونه ستم دید، تابروزن و بام
ز برگهای درختان سبز پرده کشید

گهی پدر شد و گه مادر و گهی دربان
طعام داد و نوازش نمود و ناله شنید

ببرد آنهمه بار جفا که تاروزی
ز درد و خستگی و رنج، دردمند رهید

به زاغ گفت: چه نسبت سپید را بسپاه
ترا بیاری بیگانگان، چه کس طلبید؟!

بگفت: نیت ما اتفاق و یکرنگی است
تفاوتی نکند خدمت سیاه و سفید

ترا چو من، به دل، خُرد، مهر و پیوندیست
مرا بسان تو، در تن رگ و پی است و ورید

صفای صحبت و آئین یکدلی باید
چه بیم، گر که قدیم است عهد، یا که جدید

ز نزد سوختگان، بی‌خبر نباید رفت
زمان کار نباید به کنج خانه خزید

غرض، گشودن قفل سعادتست بجهد
چه فرق، گر ز سرخ و گر آهن است کلید

دست‌نویشته

ماجرای نیمروز و یک سلفی با طعم متفاوت

سجاد علی‌محمدی

حدود ۳۰ کودک و بچه ۴ تا ۱۲ ساله دور ما جمع شدند و وقتی طلاب عمامه‌به‌سر با لباس بسیجی را همراه خود در جست‌وخیز کودکانه‌شان می‌دیدند، ذوق و شوق مضاعفی در چهره‌هایشان موج می‌زد. ماجرای نیمروز تبلیغی و کار فرهنگی ما در کوران زلزله به قدری جذاب بود که از سردی هوا و پس‌لرزه‌های گاه‌وبیگاه و اخبار منفی عبور کرده بودیم. در واقع انرژی و صفای کودکان از طرفی و همراهی و خرسندی خانواده‌ها از طرفی دیگر ما را به این نتیجه می‌رساند که تقاضا برای حضور پررنگ روحانیت در چرخه اثر اجتماعی همیشه وجود دارد ولی باید به فکر زمینه‌ها و روش‌های



نوین عرضه محتوای دینی در جامعه باشیم. سلفی پایانی اما طعم متفاوتی داشت. یادآور این عبارت معروف یکی از چریک‌های قدیمی بود که در موقعیت‌های سخت، زمزمه می‌کرد «دیگر نباید خفت». آری وقتی با صمیمیت و خلاقیت و کار تیمی می‌توان فاتح قلب‌ها شد و اعتمادها را جلب نمود چرا تأخیر؟ چرا تردید؟

در یک روز کاری، فلکه آقاصادق را مقصد جهاد و تبلیغ قرار دادیم و با یک تیم سه نفره؛ من وحاج آقا مهدی قربانی و طلبه جهادی علی خوشبخت به کمپ موجود در این منطقه وارد شدیم. بیش از ۴۰ چادر در این کمپ برپا شده بود و مملو از کودکانی بود که درگیر سرما و زلزله و دوری از خانه‌های امن خود شده بودند.

به محض اینکه رسیدیم، بچه‌ها را دور خود جمع کردیم و استارت بازی و سرگرمی را زدیم. پدر و مادرها که چه بسا حال و حوصله درستی به خاطر وضعیت موجود نداشتند، رضایت خود را از مشغولیت بچه‌ها ابراز کردند و در میان خرسندی از طلابی که بانی این سرگرمی شده بودند تعجب بر چهره‌هایشان نقش بسته بود.

اخبار برگزیده

امدادرسانی طلاب جهادی به زلزله‌زدگان خوی

حجت الاسلام فرشلاف مدیر حوزه علمیه امام خمینی خوی؛ منازل شهری آسیبی ندیده ولی ترک‌های عمیق داخل ساختمان آنها را غیرقابل سکونت کرده اما خانه‌های روستایی تخریب شدند و به کمک‌های ویژه‌ای نیاز دارند.

شهرستان خوی ۲ مدرسه علمیه دارد که روزانه بیش از ۱۰۰ نفر از طلاب آن مشغول خدمت‌رسانی هستند. روزانه ۱۴۰ پرس غذای گرم در آشپزخانه این مدارس طبخ و توزیع می‌شود.

کارگاه طراحی پوستر «کار آخونداست!»

کارگاه آموزش طراحی پوسترکار آخونداست با حضور ۳۹ نفر از برادران و خواهران جهادی هنرمند سراسر کشور در ساختمان پلاک ۳۱۳ جمکران برگزار شد. در این کارگاه سه روزه که به همت حلقه هنری مثال و همکاری دبیرخانه گروه‌های جهادی حوزه برگزار شد موضوع خدمات حوزه و روحانیت بعد از انقلاب مورد بررسی قرار گرفت و بیش از ۵۰ اثر تولید شد.



گفتگوی «خط جهاد» با جناب آقای مهدی کمیلی‌فر، مسئول واحد علمی دبیرخانه جهادگران حوزوی

حضور طلاب را در منطقه چگونه دیدید؟

در گزارش اولیه‌ای که نماینده استانی دبیرخانه فرستاده بود آمده بود که شهرستان خوی حدود سیصد نفر طلبه دارد که ۷۰ طلبه مشغول فعالیت هستند بنابراین برآورد شده بود که اگر از ظرفیت طلاب بومی منطقه برای کارهای فرهنگی، عمرانی و امدادی استفاده شود کفایت می‌کند، اما رفته‌رفته معلوم شد که نیاز بیشتری به حضور طلاب هست.

حجم تخریب چگونه بود؟

ظاهر شهر زلزله‌زده نبود ولی داخل برخی خانه‌ها آسیب دیده بود. ۷۰ نقطه غیر از مرکز شهرستان خوی هم لرزیده بودند که در برخی مناطق شدت تخریب بسیار بالا بود و با شهر قابل مقایسه نبود. طبق آمارهایی که اعلام می‌شد بیش از ۱۸۰ هزار نفر آواره بودند و دنبال جایی برای اسکان بودند. نماز جمعه شهر هم در وسط خیابان برگزار شده بود. البته خیلی از ساختمان‌ها برای سکونت مشکلی نداشتند ولی بخاطر شایعاتی که شده بود، مردم خارج از ساختمان‌ها مستقر بودند. حیاط مسجد و مصلی هم به کمپ زلزله‌زدگان تبدیل شده بود. امدادهای اولیه و توزیع نیازمندی‌ها به چه صورت بود؟

خدمات مردمی و دولتی بین حدود ۱۰۰ هزار نفر توزیع شده بود. عده‌ای در چادرهای نصب شده در کمپ‌ها و عده‌ای پس از دریافت چادر و وسایل گرمایشی در محله‌ها یا حیاط منزل خود ساکن شده بودند. حجم خدمات در نگاه اول کافی به نظر می‌آمد؛ حتی در برخی موارد مانند مواد خوراکی بیش از حد نیاز هم وجود داشت.

مواجهه‌ای با مردم داشتید؟ با اعتراضی مواجه نشدید؟

یکی از جلسات در دفتر امام جمعه و در نزدیکی ساختمان فرمانداری و هلال احمر بود، شاهد اجتماع مردم بودیم که نسبت به توزیع چادر گلایه داشتند. طبق گزارشات مسئولین حدود ۴۰ هزار چادر توزیع شده بود، اما با این وجود برخی مردم می‌گفتند چادرگیرشان نیامده.

اعتراض مشترکی بین برخی مردم و برخی مسئولان و نیروهای جهادی وجود داشت این بود که چرا نظامی

برای توزیع وجود ندارد؟ گزارش‌هایی رسیده بود که برخی افراد با سوءاستفاده از ناهماهنگی‌های به وجود آمده، چادرها را در بازار سیاه می‌فروختند. یک نفر را شناسایی کرده بودند که بیش از ۱۰۰ چادر و پتو را انبار کرده بود. با این وضعیت طبیعتاً عده‌ای هم به خاطر محروم ماندن از حق خود، معترض بودند.

موارد خاصی که جلب توجه کند وجود داشت؟
عده‌ای ادبیات حرف‌زدنشان متأثر از فضای

رسانه‌ای بودند؛ از دفتر امام جمعه که خارج شدیم، مردم به سمت‌مان آمدند. دوستان معمم، گلایه‌ها و بعضاً توهین‌ها را شنیدند و سعی کردند فضا را آرام کنند. در میان گلایه‌ها، صریحاً برخی هشتک‌های شبکه‌های معاند به گوش می‌رسید؛ مثلاً به مأموران نیروی انتظامی که برای خدمت در منطقه حضور داشتند «سرکوب‌گر» می‌گفتند، یا اینکه می‌گفتند «چادرهای دریغ شده از ما را انبار می‌کنید و به جای دیگر می‌فرستید». همین خط خبری را در این روزها می‌بینید که بی‌بی‌سی و سایر رسانه‌های ضد انقلاب با انتشار تصاویر کمک‌های مردمی به سوریه دست گرفته‌اند.

چه نیازی اساسی در منطقه مشاهده می‌شد؟ چه کاری خیلی مفید به چشم می‌آمد؟

حضور مبلغ آموزش دیده برای مواقع بحرانی ضروری است. کسی که فوراً متأثر از گلایه‌ها و اعتراضات و بعضاً توهین‌ها نشود، با حفظ آرامش، توانایی صحبت چهره‌به‌چهره و تسکین دادن آرام را داشته باشد و بتواند در مقابل کسی که قصد متشنج کردن اوضاع را دارد، روش مناسبی اتخاذ کند.

حضور مبلغی که برای کودکان و نوجوانان برنامه‌های ویژه داشته باشد بسیار مفید و مؤثر خواهد بود. مبلغان خواهر توانایی بیشتر و حضور مفیدتری در این زمینه خواهند داشت. به‌طورکلی معلوم بود که گلایه‌های حقیقی مردم با هم‌نشینی، گفتگوی رودررو و هم‌دردی حل می‌شود ولی وقتی از دور حرف بزیم اثری نمی‌کند.

موکب‌های پذیرایی که در اماکن تجمع دایر می‌شدند خیلی اثرگذار بودند. مشکلات به این موکب‌ها منتقل می‌شد و از این‌جا به مسئولان، برخی روستاییان هم متوجه این کارکرد موکب شده بودند و ارتباط می‌گرفتند. به نظر می‌رسد که اگر موکب‌های سیاری طراحی شوند که به روستاها رفته و خدمات ارائه کنند و تا حدودی به کاسته شدن آرام اهالی آنجا کمک کنند و به صورت نامحسوس نیازمندی‌های روستاها را احصا کرده و در اختیار مسئولان شهری قرار دهند، کار مفیدی خواهد شد.

حضور معممین در سطح شهر خیلی مفید است. اگرچه برخی طلاب آسیب‌دیده در زلزله، به خاطر مسائل اجتماعی، از تقاضای کمک، حیا کرده و نیازهای خود را با مسئولان حوزه مطرح می‌کنند و در نهایت امکانات کمتر، یا برابر با سایر مردم را به طور مخفیانه دریافت می‌کنند، اما این سؤال

در ذهن مردم وجود دارد که مگر طلاب نیز از این زلزله آسیب ندیده‌اند که ما هیچکدام از ایشان را در صفوف دریافت کمک نمی‌بینیم؟

از تأثیر فضای رسانه گفتید. کمی بیشتر توضیح دهید.

همانطور که می‌دانید در بین مناطق سردسیر ایران، خوی یکی از آشناترین نام‌هاست؛ با این حال مردم، آوارگی و اسکان در چادر را بر حضور در خانه‌هاشان که اتفاقاً آسیب چندانی ندیده بودند ترجیح می‌دادند زیرا عمده مردم به طور مستقیم یا با واسطه متأثر از رسانه‌های بیگانه بودند چرا که شایعه شده بود زلزله‌ای ۹ ریشتری در راه است. پس لرزه‌هایی هم که می‌آمد موجب شده بود این شایعه را باورپذیرتر کند.

مسئله جدی که دیدیم رفتارهایی از مسئولان بود که دست‌مایه شبکه‌های بیگانه شده بودند؛

ما تجربه زلزله سایه‌خوش و چند روستای دیگر استان هرمزگان را هم داشتیم. با حضور موفق ستاد بحران همه چیز خوب پیش رفت. تعداد روستاهای زلزله‌زده کمتر بود و نیازمندی‌هایش مشخص بود، بنابراین با اقداماتی به‌موقع و هماهنگ بحران اولیه بدون حرف و حدیث جمع شد و جلوی هرگونه سوءاستفاده دشمن را گرفت. با وجود اینکه حساسیتهای مذهبی هم وجود داشت که می‌توانست موجب تفرقه بشود ولی برعکس؛ خدمات، به اتحاد کمک کرد.

مشکلی جدی که در خوی به چشم می‌خورد این بود که برخی تیم‌های رسانه‌ای به جای تمرکز بر انعکاس مشکلات مردم، حضور مسئول در منطقه را پوشش می‌دادند که بسیار ناخوشایند بود. شاید خیلی از اقشار مانند هنرمندان، ورزشکاران و ... اگر با دوربین بروند، مردم به ایشان ایرادی نمی‌گیرند.

فکر می‌کنم هرچه مسئولان و نیروهای جهادی بیشتر روی حل‌کردن مشکلات حقیقی مردم تمرکز کنند و خالصانه کارکنند میزان سوءاستفاده دشمن از این اتفاقات کمتر خواهد شد، حتی اگر هم سوءاستفاده بشود راه تبیین وجود دارد، همان‌گونه که مردم اهل سنت سایه‌خوش از جهادگران و طلاب شیعه دفاع می‌کردند.

در زلزله خوی یک نیروی سپاهی داشت به خانواده‌ای کمک می‌کرد؛ صاحب‌خانه به بقیه می‌گفت «آن‌ها که به سپاهی می‌گویند تروریست، بیایند ببینند که این تروریست‌ها به ما غذا دادند، وسایلمان را جمع کردند و راه را برایمان باز کردند... با این وجود، نمی‌دانم چرا به این‌ها می‌گویند تروریست!»

این سؤال در ذهن مردم وجود دارد که مگر

طلاب نیز از این زلزله

آسیب ندیده‌اند که ما

هیچکدام از ایشان را در

صفوف دریافت کمک

نمی‌بینیم؟

تعطیلات، جوانی و نشاط

تفسیر شیرینی از لسان امیرالمؤمنین علیه السلام

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام فِي قَوْلِ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا - قَالَ لَا
تَنْسَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ فِرَاعَكَ وَ شَبَابَكَ وَ
نَشَاطَكَ أَنْ تَطْلُبَ بِهَا الْآخِرَةَ.

علی علیه السلام در تفسیر قول خدای عَزَّ وَجَلَّ «فراموش
مکن بهره خود را از دنیا» (سوره قصص ۷۷)
فرمود: فراموش مکن تندرستی خود و
توانائی و فراغت و جوانی و نشاط خود را که
طلب آخرت کنی.

[منبع: الأمالی (للسدوق)، النص، ص: ۲۲۹]

زندگی به سبک جهادی

اثر محمد رستمی تاجیک

تلاش جدی برای پیشبرد اهداف اسلام
و خنثی کردن نقشه‌های دشمن، وجه
اشتراک همه مفاهیمی است که از ترکیب
با کلمه «جهاد» به دست می‌آیند؛ «جهاد
علمی»، «جهاد نظامی»، «جهاد اقتصادی»،
«جهاد فرهنگی»، «جهاد خدمت‌رسانی» و ...
حجت‌الاسلام رستمی در کتاب «زندگی
به سبک جهادی» که توسط انتشارات
شهید کاظمی منتشر شده است قصد
داشته که به ابعاد متنوع جهاد از منظر
رهبر معظم انقلاب بپردازد؛ «کلیات جهاد
و فرهنگ جهادی»، «فرهنگ جهادی و
تولید علم»، «فرهنگ جهادی و حوزه
علمیه»، «فرهنگ جهادی و دانشگاه»،

«فرهنگ جهادی و زنان» و «فرهنگ جهادی
و اقتصاد» فصل‌های این کتاب هستند.
جهاد خدمت‌رسانی نیز تحت عنوان
«اردوهای جهادی و طرح هجرت» در قالب
یک گفتار به فصل «فرهنگ جهادی و
دانشگاه» اختصاص داده شده است. البته
روشن است، امروزه فرهنگ خدمت‌رسانی
به صورت گسترده‌ای در اقشار گوناگون
جامعه اسلامی ریشه دوانده و میوه‌های
خوش‌آب‌ورنگش هر از گاهی با اتفاقات
تلخ و شیرین چشم‌نوازی می‌کند.

شهید مدافع سلامت حجت‌الاسلام و المسلمین جعفر آذرپندار

جهادگر شهید

۱۳۵۵ (چهار برج) | ۱۱ فروردین ۱۳۹۹

ابتلاء به ویروس کرونا در جریان ضد عفونی معابر شهری



«اقامه نماز جمعه وسط جاده خاکی» تمام شود؛
همان جاده‌ای که بارها از مسئولان خواسته شده بود،
آسفالتش کنند.
با آمدن کرونا، در خانه نماند، صوتی مبنی بر «در
خانه بمانیم» ضبط کرده و مدام از بلندگوی مسجد
پخش می‌کرد. مسئولان را برای کنترل ورودی شهر
به خط می‌کرد. با مغازه‌دارها برای بستن مغازه‌هاشان
صحبت می‌کرد. دفتر امام جمعه تبدیل شد به محل
تهیه بسته غذایی برای خانواده‌های بی‌بضاعت. تا آخر
شب هم تمام معابر شهر را با کمک سایر نیروهای
متعهد ضد عفونی می‌کردند. چند روز بعد از شهادت
حاج قاسم، حرف دلش را به زبان آورد و چهار ماه بعد
از شیوع کرونا پر کشید.

کشاورز زاده‌ای بود که مشهور بود به خانواده دوستی
و کار پشت تراکتور روی زمین کشاورزی. توی
مدرسه‌شان هم طرف‌های بقیه طلبه‌ها را می‌شست و
مناجات ابو حمزه را سرها می‌خواند. وقتی به کسوت
امام جمعگی درآمد، مغضوب تجزیه طلبان شده بود.
آنها هم برای تخریب شخصیتش مضایقه نمی‌کردند.
شاید آن شخصی که وسط خطبه‌های نماز جمعه
بلند شد و به ایشان توهین‌های زشتی کرد، متأثر از
فعالیت همان تجزیه طلبان بود. البته بعدا حاج آقا
توی کوچه‌ای او را دید و حسابی با هم رفیق شدند.
دخترش را به عقد یک جوان مسجدی تلاشگر
درمی‌آورد که البته بعدا توقع نداشته باشد که برایش
پارتی بازی کنند. موانع خدمت به مردم را با قوتی که
از اجتماع مردم می‌گرفت کنار می‌زد حتی اگر به قیمت

از همان اول، بنا نداشتیم که فقط گوینده باشیم؛ می‌خواهیم دعوتان کنیم به نوشتن در این نشریه. شما هم می‌توانید یک ستون،
یا تمام محتوای نشریه را به عهده بگیرید و حرفه‌ایان را از این تریبون به گوش طلبه‌ها برسانید.

در شناسه @khatejihad_admin ایتمنتظر مطالب و نظرات شما هستیم.

همراه شوید

ارتباط با ما

شناسنامه

ماهنامه خط جهاد؛ نشریه تخصصی جهادگران حوزوی سال دوم ماه چهاردهم شماره ۱۴	khatejihad	@khatejihad_admin
صاحب امتیاز: دبیرخانه هماهنگی گروه‌های جهادی حوزه‌های علمیه کشور	www.jahadgaranhowzavi.com/mag	
مدیر مسئول: ابوالفضل علیخانی سردبیر: روح‌الله جلالوند مدیر هنری: عبدالحمید ابراهیمی نیا	۰۲۵-۳۲۹۴۲۱۱۰	khatejihad.mag@gmail.com
نویسندگان این شماره: روح‌الله جلالوند، سجاد علیمحمدی سایت: آرش عرفان		